

اثر بخشی تعاملات اجتماعی و ادراک محیطی بر فضای کالبدی معماری

* احسان رحمتی

دانشجوی کارشناسی معماری دانشکده فنی انقلاب اسلامی

** خسرو پورجوان

پژوهشگر دکترا معماری - مدرس و مدیر گروه دانشکده فنی انقلاب اسلامی

چکیده:

روابط اجتماعی هر جامعه از عوامل اصلی بروز رفتارهای آن جامعه محسوب می‌شود. انسان همواره نیازمند به رشد و تغییر به سمت وضعیت مطلوب است. در واقع افراد جامعه به‌واسطه توسعه روزافزون محیط پیرامون، نیازمند آموزش و اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی خود هستند، اما روان‌شناسی محیط رابطه انسان با محیط کالبدی و تأثیرات این دو بر یکدیگر را به گونه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد که ارزش‌ها، نگرش‌ها و احتیاج‌های او مورد توجه قرارگیرد و همچنین به موضوعاتی که در تشریح رفتارهای مردم نقش اساسی دارند مانند ادراک، شناخت و رفتارهای فضایی بپردازد. لذا روان‌شناسی محیطی به مطالعه تجربه فردی و جمعی مردم از مکان‌ها که رفتارهای بنیادین انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد، می‌پردازد. روان‌شناسی محیط کاربرد زیادی در طراحی فضاهای کالبدی معماری دارد. مطالعه بر روی چگونگی کارکرد اجتماعی، نیازهای روان‌شناختی مردم، علایق و سلیقه آنها باید در برنامه‌ریزی رشد شهرها در نظر گرفته شود. از آنجا که محیط، شکل دهنده و محدود کننده رفتار انسانها می‌باشد، برنامه‌ریزی مناسب به منظور اطمینان یافتن از حداکثر رضایت‌مندی، کارایی و رشد، ضرورت دارد و با در اختیار داشتن مدلی از شخصیت و رفتار انسانی، امکان طراحی، مدیریت، پیش‌بینی یا بازیابی محیط‌هایی اجتماعی ایجاد خواهد شد تا رفتار معقول یا مورد انتظار را ارتقاء دهد. این پژوهش با بررسی مفاهیمی همچون فضا، مکان، تعاملات اجتماعی، ادراک محیطی و روابط محیطی و روان‌شناختی سعی دارد تا ابعاد اثر بخشی فضاهای کالبدی معماری را مورد بررسی قرار بدهد. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، از شیوه مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای شامل مطالعه کتابها و مقالات مرتبط استفاده شده است. در این روش با مقایسه و تطبیق پدیده‌های نظری مطروحه پیرامون مسائل و تجزیه و تحلیل کمی اطلاعات جمع‌آوری شده از دو شیوه توصیفی و استنباطی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری لازم ارائه شده است.

واژگان کلیدی: فضا، مکان، روابط اجتماعی، تعاملات اجتماعی، ادراک محیطی.

مقدمه:

انسان امروزی با وجود این‌که در عصر ارتباطات، فضای مجازی و چند رسانه‌ای به سر می‌برد، اما در نهایت بر اساس فطرت اجتماعی خود، نیاز به ارتباط رو در رو در فضای شهری با سایرین برای او ضروری است. در گذشته بخصوص در دوران پس از اسلام در ایران این تعامل در شهرهای بزرگ در جوار مساجد جامع، بازارها، حسینیه‌ها، میادین شهری و محله‌ها بخصوص در ارسن‌های شهری آنطور که انتظار مخاطبان دوران خود برآورده می‌نمود، بوقوع می‌پیوست. فضاهای کالبدی معماری بستر تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد، هر چند ویژگی‌های کمی و کیفی فضاهای معماری طی زمان و در اثر عوامل گوناگون دوچار دگرگونی شده است، اما همواره شهروندان و سایر استفاده‌کنندگان از شهر نیازمند به چنین مکان‌های کالبدی بوده‌اند. این مکان‌ها همواره تحت تأثیر عوامل بسیاری قرار دارند، یکی از مهمترین عوامل که در تعیین ساختار تعاملات اجتماعی نقش بسزایی دارد، فرهنگ می‌باشد، فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از باورها، یقین‌ها، علوم، معارف، آداب و رسوم و ارزش‌هایی است که یک جامعه بر اساس آنها شکل می‌گیرد و حرکت می‌کند. (زارع، ۱۳۹۱) فرهنگ تحت تأثیر عوامل بسیار زیادی موجب تغییر تعاملات اجتماعی می‌گردد. در پس این تغییر تعاملات فضای کالبدی معماری نیز شکل گرفته و هویت اجتماعی ساکنین نیز تغییر می‌یابد. هویت عاملی سرنوشت ساز در یک جامعه می‌باشد، که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. فضای کالبدی معماری بیش از هر چیزی نیازمند مفهومی است که دارای سیالیت بین دو رشته علوم اجتماعی و معماری است و در ادامه متأثر از حوزه‌های مرتبط با آنها نیز می‌گردد. بنابراین روال چهارچوب نظری در اینجا از دنبال کردن مفهوم فضا به عنوان عاملی که در هر دو حوزه‌ی معماری و مسائل اجتماعی بطور همزمان نشأت می‌گیرد، آغاز می‌شود. از جمله عوامل دیگری که در اثر بخشی تعاملات اجتماعی تأثیر پذیری بسیاری دارد مکان است که به ویژگی‌های ابعاد آن پرداخته می‌شود. ادراک محیط و روابط پدیدارشناختی از جمله عوامل دیگری است که در این پژوهش به آن اشاره می‌شود و اثر گذاری این عوامل بر فضای کالبدی معماری مورد واکاری قرار می‌گیرد.

بیان مساله:

عوامل بسیار زیادی موجب فهم، ادراک و شناخت انسان از فضا می‌شود. از مهمترین این عوامل می‌توان به ابعاد تعاملات اجتماعی و ادراک محیطی بر درک فضای کالبدی معماری اشاره نمود. تأثیر تعاملات اجتماعی بر فضای کالبدی معماری چگونه است؟ آیا ادراک محیط بر فهم بهتر فضای کالبدی معماری کمک می‌نماید؟ چه عواملی در شکل‌گیری رفتار ساکنین اثرگذار می‌باشد؟ در این پژوهش به شناخت دو عامل تعاملات اجتماعی و ادراک محیطی می‌پردازیم. تعاملات اجتماعی ناشی از رفتارهای ساکنین یک مجموعه با یکدیگر آغاز می‌شود و همانگونه که بیان شد فرهنگ عامل اثر گذار در این مسیر می‌باشد. فرهنگ هر جامعه موجب شکل‌گیری هویت در آن جامعه می‌شود. هویت عامل مهم دیگری در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌باشد. همچنین ادراک محیط بوسیله حواس شخص از محیط اطرافش حاصل می‌شود. ادراک محیط فرآیندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود برمی‌گزیند. لذا ادراک فرآیندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک‌کننده بستگی دارد. از این رو فرآیند ادراک همواره با شناخت انسان از محیط همراه است. (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۲). لذا این پژوهش بر آن است تا به سوالات مطرح شده پاسخ و به نتایجی در این خصوص دست یابد.

ضرورت تحقیق:

یکی از اهداف هنرمندان و خالقان اثر در حوزه‌های گوناگونی همچون موسیقی، ادبیات، معماری، مجسمه سازی، شعر و دیگر هنرها این است که با خلق اثر هنری خود، نه تنها بر شخص استفاده کننده از آن موضوع، تأثیری مثبت داشته باشند بلکه در تعاملات اجتماعی افراد با یکدیگر نیز اثرگذار باشند و محیطی مطلوب را برای آنان ایجاد نمایند. معماران نیز به دنبال ایجاد فضای کالبدی معماری مطلوب با شاخصه‌های مناسب هستند. تا فضای معماری موجب رشد همه جانبه استفاده‌کنندگان از آن فضا شود، شناخت دو عامل اثرگذار در این راه بررسی ابعاد تعاملات اجتماعی و ادراک محیط می‌باشد. لذا ضرورت شناخت ابعاد این دو عامل ضروری می‌باشد.

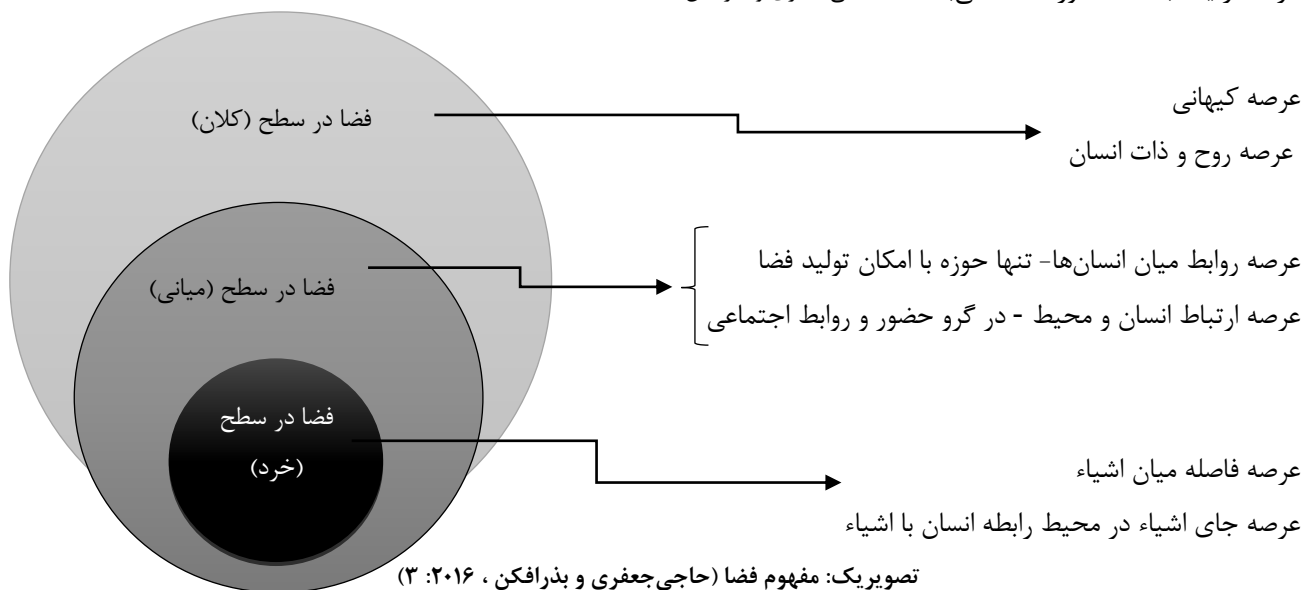
روش تحقیق:

در این پژوهش ابتدا ابعاد تعاملات اجتماعی و ادراک محیطی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. سپس به ویژگی‌های بهره‌وری از روان‌شناسی محیط پرداخته می‌شود. همچنین لزوم شناخت هرچه بیشتر در این حوزه ضروری است. این پژوهش بر پایه یک تحقیق توسعه‌ای شکل گرفته است. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این مقاله، از اسناد، کتب و همچنین مطالعه مقاله‌های مرتبط استفاده شده است. اطلاعات به دست آمده از روش اسنادی به روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل و واکاوی قرار گرفته است و در انتها نتیجه‌گیری لازم ارائه شده است.

چارچوب نظری:

۱- فضا:

فضا مفهومی است که اغلب به عنوان یک جنبه‌ی بدیهی و پس‌زمینه‌ی مورد قبول قرار گرفته و به عنوان یک پیش‌فرض در مورد چیزی که صرفاً وجود دارد تا پر شود یا زندگی روزمره از آن عبور نموده و در آن جابجایی رخ دهد. تعریف نمودن فضا از نگاهی انسان‌محور، ماهیت و ویژگی‌های کیفیت فضا به عوامل بسیاری بستگی دارد. مهمترین این عوامل بقرار زیر می‌باشند که خود نشأت گرفته از یک بدنه محصور کننده می‌باشند. (حاجی‌جعفری و بذرافکن، ۲۰۱۶: ۳)



فرم نشأت گرفته شکل، رنگ نشأت گرفته سطح، بافت و الگو و صوت نشأت گرفته لبه‌ها، تناسب و مقیاس نشأت گرفته ابعاد، تعریف نشأت گرفته ترکیب میزان محصوریت و نور و دید نشأت گرفته گشودگی است. (دی.کی.چینگ، ۱۳۸۷، ۱۸۴)

فضا در مبانی نظری امروزی دارای معنای بسیاری می‌باشد. در ادبیات رایج می‌توان به دو کاربرد متمایز تقسیم شود: فضا همچون هندسه سه بعدی و فضا همچون حوزه ی دریافتی. با این حال هیچ یک از این ها تجریدهایی از تمامیت سه بعدی شهودی مرتبط به تجربه‌ی روزانه که به فضای عینی معروف است رضایت بخش نیستند. در واقع کنش های عینی انسانی نه در درون فضای همگرای همگن، بلکه در فضایی که با تفاوت‌های کیفی‌ای همچون "بالا" و "پایین" متمایز می‌شود، واقع می‌گردند. زیگفرد گیدون^۱ تمایز «برون» و «درون» را به منزله پایه‌ای برای دیدن فراگیر به معماری به کار می‌گیرد. کوین لینچ^۲ با معرفی مفاهیمی همچون «گره»، «نشانه»، «راه»، «لبه» و «محل» و با اشاره به این عوامل که پایه ای برای جهت یابی انسان در فضا را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای عمیق تر به ساختار فضا نفوذ می‌کند. (شولتز، ۱۳۸۸، ۲۴)

درک مفهوم فضا از بعد فیزیکی:

فضا را می‌توان با امکان و چگونگی حرکت، جریان و یا سکون در آن درک نمود. ویژگی که با ورود به هر کالبدی می‌توان پتانسیل‌هایی که به انسان امکان استفاده یا عدم استفاده می‌دهد را حس نمود. بنابراین فهم فضا نیاز به تجربه کردن فضا دارد که شامل نوعی نگرستن است که حرکت ذهنی و فیزیکی نیز همراه آن باشد. در این حرکت فکری و فیزیکی، ذهن تجربیات گذشته و کنونی را در قیاس با هم بررسی می‌کند و در اتصال آنها با یکدیگر واکنش‌های رفتاری و تألیف‌های عاطفی جدیدی را حاصل می‌کند. (حاجی جعفری و بذرافکن، ۲۰۱۶: ۴)

درک و مفهوم فضا از بعد اجتماعی:

از نگاه جامعه شناسان حوزه‌ی فضا، موضوع فضا یک رابطه ی یکسویه نیست؛ همانگونه که فضا فعالیت‌ها و کنش‌های انسان را تحت تأثیر قرار داده است. بدین ترتیب، فضا نه دنیای طرح و منطق و نه دنیای ایدئولوژی و قدرت صرف است، بلکه دنیایی است که انسان در آن ساکن است، به گفت و گو می‌پردازد و شیوه ی خودش از آن استفاده می‌کند. فضا به واقع آن چیزی است که انسان ها در آن و از طریق آن و در پیرامون آن به عنوان موجوداتی اجتماعی در تالش برای ساختن زندگی خود و آنچه به آن می‌اندیشند هستند. در این راستا ژیلینتیس عنوان می‌کند که مناسبات اجتماعی به هر حال باید در جایی اتفاق بیفتد و آن جابجایی است که در قالب فضای اجتماعی رخ می‌دهد، درحالیکه خنثی نیست و جایی است که باید توسط اقدامات انسان پر شود؛ بدین ترتیب به همان طریقی که فضا به واسطه‌ی مناسبات انسانی شکل می‌گیرد، مناسبات و رفتارهای انسانی نیز به واسطه‌ی فضا شکل می‌گیرند. (حاجی جعفری و بذرافکن، ۲۰۱۶: ۵)

درک فضا و ارتباط با آن:

انسان نیاز دارد محیط را به عنوان الگویی از روابط با معنا تجربه کند زمانی می‌توانیم فضایی را شناخته و از آن استفاده کنیم که به معنای فرهنگی و اجتماعی آن واقف باشیم در صورت عدم درک آن معنا، فضا را به درستی نفهمیده و در آن احساس راحتی نخواهیم کرد و ناهمخوانی فضا با انسان موجب عدم ارتباط آنها با یکدیگر خواهد شد. (کشوری و تاکی، ۱۳۹۳، ۷)

¹ -Siegfried Gideon

² -Kevin A Lynch

ابعاد کالبدی فضا:

کیفیت‌های کالبدی فضا، کیفیت‌های توپولوژیک می‌باشد و به هندسه فضا وابسته نبوده بلکه وابسته به مناسباتی است که از آن روابط هندسی ناشی می‌گردد مانند نحوه مجاورت فضاها، عناصر، ترتیب آنها، جدایی، محاط شدگی رابطه است و نیز وجود عناصر طبیعی، یادمان‌ها، آبنماها، پله‌ها و تجهیزات بازی و در ارتقاء کیفیت کالبدی فضای باز مؤثرند و پیوستگی همچنین کیفیت کالبدی یک فضای باز با نحوه دسترسی، موقعیت و آسایش فیزیولوژیکی آن نیز در ارتباط است. (کشوری و تاکی، ۱۳۹۳، ۸).

۲- هویت:

هویت معنی یک مکان، یعنی یک مکان ویژگی‌های مخصوص به خود را دارا باشد در حقیقت هویت به قلمرویی از حیاط اجتماعی اطلاق می‌شود که متعلق به فرد باشد. هویت، احساس این همانی انسان با فضا (رابطه هویت انسان و هویت پدیده‌ها) مرتبه و درجه‌ای از هویت است و با بکارگیری تعبیری همچون "من"، "خود"، "شخصیت"، "تعلق" و امثالهم برای فرد و اجتماع "هویت" شکل می‌گیرد. انسان به عنوان یک عامل اصلی در هویت تابع سه ویژگی (جسم، ذهن و روح یا جسم، نفس و روح). (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۲۵۶)

عوامل تأثیرگذار بر هویت:

هویت تحت تأثیر دو عامل مهم شکل می‌گیرد:

عوامل درونی که به فرد و جامعه اش مربوط می‌شود و ناشی از مذهب، جهانبینی، تاریخ، فرهنگ و سایر قلمروهای معنوی انسان شکل می‌گیرد.

عوامل بیرونی از سوی جوامع دیگر بر فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد و ناشی از تعاملات و تأثیرات سایر جوامع و سایر تمدن‌ها بر فرد و جامعه شکل می‌گیرد. (همان، ۱۳۸۵، ۲۵۸). یک فضای عمومی می‌تواند به گونه‌ای باشد که هم سبب ایجاد تعامل و روابط اجتماعی و هم ضامن دارا نمودن کیفیت کالبدی باشد. (رحیمی، ۱۳۹۴، ۲۰)

۳- مکان:

ابعاد سازنده هویت برای مکان مشتمل بر مجموعه‌ای از مفاهیم و کیفیت‌های فیزیکی و رفتاری و ادراکی است. حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و این خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد دستیابی به هویت و در نتیجه باعث بهره برداری بهتر از محیط رضایت استفاده کنندگان احساس تعلق به محیط و تداوم حضور در آن می‌شود. (همان، ۱۳۹۴، ۲۰)

مفهوم مکان چیزی بیش از جایگاه تجریدی و کلیتی است که از چیزهای عینی‌ای که دارای مصالح مادی، شکل، بافت و رنگ شکل گرفته است. این چیزها خصلت محیطی را تعیین می‌کند. مکان یک پدیدار کیفی و کلی است و نمی‌توان آن را به هیچ یک از خصوصیاتش مانند نسبت‌های فضایی، بدون از دست دادن ماهیت عینی آن فرو بکاهیم. (شولتز، ۱۳۸۸، ۱۷)

ساختار مکان:

ساختار مکان بر حسب چشم انداز و قرارگاه تعریف می‌شود و به وسیله مقوله فضا و خصلت مورد تحلیل قرار می‌گیرد. «خصلت» نسبت به «فضا» مفهومی کلی‌تر و نیز عینی‌تر است. از یک سو به یک جو کلی فراگیر و از دیگر سو به شکل عینی و به جنس عناصر تعیین کننده فضا مربوط می‌گردد. خصلت به وسیله ساختار مادی و شکلی مکان تعیین می‌گردد. پس کرانه‌هایی که مکان را تعریف می‌کنند بسیار مهم هستند. ساختار مکان به صورت تمامیت‌هایی محیطی ظاهر می‌گردد که در برگزیده وجوه خصلت و فضا است. این مکان‌ها همچون منطقه، چشم انداز، قرارگاه، کشور، ساختمان و ... شناخته می‌شود. (همان، ۱۳۸۸، ۲۷)

مکان‌های انسان ساخت به سه شکل اساسی با طبیعت مرتبط اند. اول مکانی که انسان می‌خواهد ساختار طبیعی را دقیق‌تر بسازد یعنی می‌خواهد تا درک خود از طبیعت را با بیان پایگاه وجودی‌ای که به دست می‌آورد، مجسم و نمایان سازد. دوم انسان می‌کوشد وضعیت موجود را با آنچه که فاقد آن است تکمیل نماید. سوم انسان بر آن است تا درک خود از طبیعت را با در نظر گرفتن خودش نمادین سازد. بطور کلی نمایان‌سازی، تکمیل‌سازی و نمادین‌سازی وجوهی از فرآیند کلی اسقرار یافتن هستند و باشیدن در معنای وجودی کلمه به عملکردها مربوط است. به عنوان مثال هایدگر^۳ این امر را به وسیله پل به تصویر می‌کشد، یعنی بنایی که نمایان می‌سازد، نمادین می‌سازد، گرد آوری می‌کند و محیط را به یک کلیت واحد در می‌آورد. (همان، ۱۳۸۸، ۳۰)

روح مکان:

روح مکان یک مفهوم رومی است. طبق باور رومی هر موجود مستقل دارای *genius loci* خاص خود یا روح محافظ خود است. این روح به مردم و مکان‌ها زندگی می‌بخشد، آنها را از تولد تا مرگ همراهی می‌کند و ویژگی یا ماهیت آنها را تعیین می‌نماید. کلمه "باشیدن" برای نشان دادن ارتباط کلی انسان و مکان به کار برده شده است. واژه باشیدن از کلمه آلمانی *wohnen* به معنای «سکونت داشتن» و *bleiben* به معنای «ماندن» و *sich aufhalten* به معنای «اقامت داشتن» شکل گرفته است. (همان، ۱۳۸۸، ۳۸)

بنابراین برای ساختن مکانی با ویژگی‌های آرامش، امنیت و به طور کلی با "عشق" نیاز است که به روح مکان توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

۴- تعاملات اجتماعی:

تعاملات اجتماعی در فضا و زمان اتفاق می‌افتد در مجاورت می‌تواند شروع تعاملات اجتماعی باشد. اما شرط کافی آن نیست و میزانی از تناس برای حفظ این روابط لازم است ساختار فیزیکی و تقسیمات عملکردی فضا ممکن است گشاینده یا محدود کننده فرصت‌ها برای ارتباط باشد. (قلی‌زاده‌آزاد، ۲۰۱۶، ۲۰)

از موارد تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی که طیف وسیعی از مؤلفه‌های ادراکی و مفهومی تا مؤلفه‌های کالبدی و عینی را در بر می‌گیرد، می‌توان بدین موارد اشاره نمود: «ازدحام و تراکم، هنجارها و روابط اجتماعی، باورها و اخلاق، طبقه بندی‌های اجتماعی، خلوت و قرارگاه فیزیکی و غیره» (عسکری‌طاری و لیتکوهی، ۱۳۹۴، ۳). تعاملات اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها شود و این نوع واکنش برای هر دو نفر شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی‌گیرد. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد به عنوان نمونه تعاملات اجتماعی و برقراری ارتباط می‌تواند، یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. اما آنچه ما در ما در جوامع امروزی شاده آن هستیم کاهش سطح ارتباط افراد با یکدیگر است. (بهزادفر، طهماسبی، ۱۳۹۲، ۱۸)

سکونت‌گاه‌های شهری قبل از مدرنیسم فضاهای عمومی مانند میدانهای شهری، بازارها، محله‌ها، اماکن مقدس و غیره بود که به عنوان مکانی برای تعاملات اجتماعی استفاده می‌شد. این مکانها موجب ارتقای حس همبستگی و تعلق در افراد می‌شد. فضاهای شهری امروزی به عنوان مکانی برای تعاملات اجتماعی میان مردم تعریف شده است. این مکان همان‌گونه که اشاره شد متأثر از عوامل بسیار

³ -Martin Heidegger

زیادی می‌باشد. آموس راپاپورت^۴ از برجسته ترین نظریه پردازان علوم رفتاری است که به مسائل شهری توجه نشان داده است. او با طرح موضوع کنش تقابل انسان و محیط به نفعی موقعیت انفعالی انسان در فضای شهری پرداخته است و حرکت در محیط را مهمترین عامل شناخت محیط و طرح ذهنی می‌داند. جان لنگ^۵ نیز به بررسی نقش علوم رفتاری در محیط رفتاری پرداخته است. او در اثر خود تحت عنوان آفرینش نظریه معماری به چگونگی دریافت آدمی از فضا و عوامل محیطی تأثرگذار به این امر پرداخته و تصورات مردم از محیط را در واقع نوعی طرح‌واره ذهنی می‌داند که به رفتارها و فعالیت‌های او در عرصه عمومی شهر شکل می‌بخشند. (احقر، رادفر، ۱۳۹۴، ۱۹۰). در مطالعه ای که بر روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است، نشان داده شده است که چهار عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند.^۶ این عوامل عبارتند از: دسترسی و به هم پیوستگی، آسایش و منظر، کاربری‌ها و فعالیت‌ها، اجتماع - پذیری (نقی‌لو، احدی، ۱۳۹۵، ۳).

پایداری اجتماعی:

پایداری اجتماعی تحت عنوان زندگی سالم و بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است. در این تعریف، بقا و حیات جامعه، همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام‌های اقتصادی در جهت دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی است. چهار عنصر اصلی و تعیین کننده پایداری اجتماعی: عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت است (سلیمی، رضوی برقی، ۱۳۹۵، ۲).

۵- روان‌شناسی محیط :

روان‌شناسی محیطی زیر مجموعه ای از علوم رفتاری است علوم رفتاری علاوه بر روان‌شناسی شامل دانش‌هایی چون انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی علوم سیاسی و اقتصادی است به این دلیل است که تعدادی از پژوهش‌گران همچون راپاپورت مطالعه انسان در محیط را در قالب الگوی مطالعه زیست محیط - رفتار بیشتر ترجیح می‌دهند.

روان‌شناسی محیطی به مطالعه و بررسی نوع رابطه و نحوه تعامل انسان با محیط کالبدی پیرامونش می‌پردازد. تأثیرات تقابل رفتار انسان و محیط سبب تفکیک دانش روان‌شناسی محیطی گردیده است. روان‌شناسی محیطی، علم تجربی- اکتسابی مطالعه در روابط انسان- محیط است که با گردآوری دانش‌هایی از حوزه‌های مختلف در یک زمینه روان‌شناسی به مطالعه روابط، رفتارها و تجارب انسانی در محیط می‌پردازد. به عقیده گیفورد^۷ روان‌شناسی محیطی با شاخه اصلی روان‌شناسی تفاوت دارد. زیرا به محیط فیزیکی روزمره می‌پردازد. این علم چارچوبی از نقطه نظرات، تحقیق‌ها، و فرضیات را فراهم می‌آورد که می‌تواند به ما درک بهتری از روابط متقابل انسان و محیط اطراف، کمک کند. (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۳).

بنا بر نظر کریک^۸ نیز روان‌شناسی محیطی مطالعه روان‌شناختی رفتار انسان گونه‌ای است که به زندگی روزمره او در محیط کالبدی مرتبط باشد روان‌شناسی محیطی رابطه انسان با محیط کالبدی و تأثیرات این دو بر یکدیگر را به گونه ای مورد بررسی قرار می‌دهد که ارزش‌ها، نگرش‌ها و احتیاج‌های او مورد توجه قرار گیرد و به موضوعاتی که در تشریح رفتارهای مردم نقش اساسی دارند مانند ادراک و شناخت و رفتارهای فضایی بپردازد. لذا روان‌شناسی محیطی به مطالعه تجربه فردی و جمعی مردم از مکان‌ها نیز که از نوع رفتارهای

⁴ -Amos Rapaport

⁵ -John Lang

^۶ - برای اطلاعات بیشتر به آدرس <https://www.pps.org> مراجعه شود.

⁷ -Gifford

⁸ -Craik

بنیادین انسان می‌باشد، علاقه مند است. (عسکری طاری و لیتکوهی، ۱۳۹۴، ۳) هلیاخ^۹ نخستین پایه گذار روان‌شناسی محیط نامیده می‌شود. و داده های محیطی را به سه نوع تقسیم می نماید.

محیط طبیعی: مانند خاک، هوا، نور، جنگل و ... که انسان و رفتار وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به وسیله انسان دگرگون می‌شود.

محیط اجتماعی: که موضوع بحث روان‌شناسی اجتماعی است.

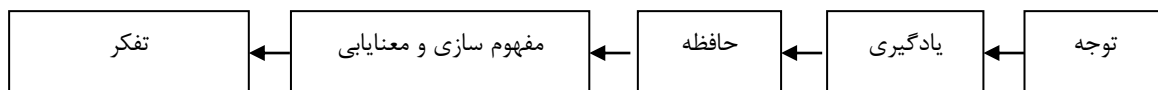
محیط فرهنگی: که شامل کتاب‌ها، کتابخانه‌ها، قوانین، دولت‌ها، بناها و شهرها است. محیط فرهنگی بوسیله انسان ایجاد شده و تاریخ را منعکس می‌کند. (مرتضوی، ۱۳۸۰، ۶)

۶- ادراک محیطی:

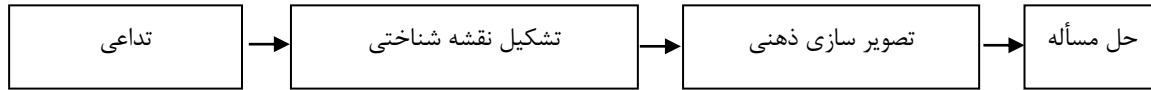
بشر موجودی است که نمی‌تواند بدون ارتباطات زندگی کند. هر فرد زنده بطور مرتب به وسیله حواس خود از محیط اطرافش اطلاعاتی به دست می‌آورد و آنها را در مغز خود بررسی می‌کند. بنابراین هرآنچه که اطلاع یا پیامی ز خود می‌فرستد «فرستنده» و بشر را که دریافت کننده این اطلاع است «گیرنده» می‌نامند. انتقال این پیام از راه های مختلف انجام می‌پذیرد که از مهم ترین این راه‌ها حواس انسان می‌باشد. ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود بر می‌گزیند. لذا ادراک، فرآیندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک کننده بستگی دارد. از این رو فرآیند ادراک همواره با شناخت انسان از محیط همراه است. در حقیقت ادراک محیطی از تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان تجربه شده حادث می‌شوند. (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۲) برای مثال دی.کی.چینگ در کتاب خود "فرم، فضا، نظم" برای ادراک کالبدی سطح کف، معمولاً تفکیک سطح زمین یا کف برای تمایز نمونه یک مسیر حرکتی از محل های مکث، حرکت و یا تفکیک یک حوزه عملکردی در داخل یک اتاق یا محیط زندگی است. برای مثال ژاپنی‌ها برای ایجاد تفکیک فضای پذیرایی و محل غذا خوری، کف وسط اتاق را فرو رفته طراحی کرده تا حوزه خوردن غذا از سایر فضاها تفکیک شود. (دی.کی.چینگ، ۱۳۸۷، ۱۱۸)

نقش شناخت محیط بر رفتار انسان:

شناخت اصطلاحی عمومی است که در برگیرنده انواع سبک‌ها، شیوه‌های ادراک، تصور، قضاوت و استدلال است. شناخت حاصل تعامل فرهنگ و بیولوژی است. شناخت از یک طرف به انسجام زیستی مغز و کل ارگانیزم وابسته است و از طرف دیگر از طریق تجربه دنیای فیزیکی و اجتماعی حاصل می‌شود و در تعامل با نهادهای پیچیده اجتماعی و تمرین مستمر سازمان داده می‌شود. مراحل احساس، ادراک و شناخت دربرگیرنده فرآیندها، مراحل و عوامل تأثیرگذار پیچیده‌ای است. در واقع می‌توان ادعا کرد وقتی انسان واقعیات محسوس را از راه ادراک حسی شناسایی می‌کند به واسطه گیرنده های حسی از وجود واقعیات دنیای خارج یا داخل مطلع می‌شود. این احساس پس از تفسیر و تعبیر به ادراک می‌انجامد و تکامل این ادراک به شناخت پدیده‌های عالم هستی ختم می‌گردد.



⁹ -Hellpach



تصویر دو: فرآیند شناخت (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۶)

محیط انسان در سطوح مختلفی، رفتار او را تحت تاثیر قرار می‌دهد بین افراد و محیط کاری فیزیکی و روان‌شناختی آنها تعامل دو طرفه و پیوسته‌ای وجود دارد تأثیری که محیط بر ذهن آدمی می‌گذارد بی‌گمان بر رفتار و کردار او ظاهر می‌شود محیطی که حکایت از گرمی و جذابیت کند، روح را شاداب و رفتار را صمیمانه می‌کند بر عکس اگر محیطی سرد و خشک باشد روح و رفتار را سرد و بی‌نشان از زندگی می‌کند برای در بهتر تأثیر محیط و نقش آن بر انسان باید تأثیر عوامل محیطی بر رفتار انسان را بررسی نمود عمده‌ترین عوامل محیطی که بر رفتار افراد تأثیر گذارند عبارتند از: میزان روان‌شناسی، سر و صدا، تأثیر آب و هوا و شرایط اقلیمی، تراکم جمعیت و تداخل فواصل روانی، رنگ، فضای سبز، مبلمان فضا، شکل فضا، فرم بنا می‌باشد. (عسکری‌طاری، لیتکوهی، ۱۳۹۴، ۴)

انواع رویکردها در محیط:

از مسائل مهم در موضوع محیط نوع رویکرد نظریه پردازان نسبت به آن می‌باشد. اندیشه‌های روان‌شناسان محیط در مورد رویکرد متفاوت می‌باشد. شش رویکرد نظری در این حوزه وجود دارد که عبارت است از:

۱. رویکرد انگیزنگی.
۲. رویکرد اضافه بار محیطی.
۳. رویکرد استرس و سازگاری.
۴. رویکرد تنظیم مقررات خصوصی.
۵. رویکرد زیست محیطی.
۶. رویکرد تبادل. (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۷)

انواع رویکردها در روان‌شناسی:

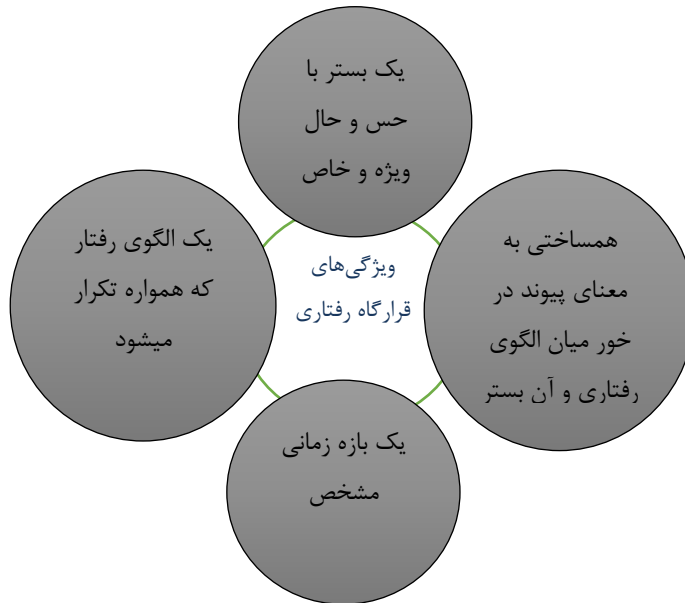
رویکردها در روان‌شناسی مربوط به رفتار انسان می‌باشد که از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای شناخت بهتر این حوزه که تأثیر بسیار زیادی بر تعاملات اجتماعی دارد و این امر فضای کالبدی معماری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، به مهمترین رویکردها در این حوزه اشاره می‌گردد. این رویکردها عبارتند از: رویکرد زیست‌شناختی، رویکرد رفتاری، رویکرد روان‌کاوی و رویکرد پدیدار شناختی. این رویکردها رفتار، نگرش و نظریات انسان‌ها را شکل می‌دهند. در شکل زیر با این رویکردها بیشتر آشنا می‌شویم. (همان، ۳۵)

توضیحات	رویکرد های عمده روان شناسی
این رویکرد به بررسی و شناخت فرآیند های زیستی-عصبی ای که به بروز رفتار ها منجر می شوند می پردازد.	رویکرد زیست شناختی
این رویکرد به دنبال بررسی رفتار و عوامل موثر بر آن است. این رویکرد معتقد به تاثیر پذیری بی چون و چرای فرد از محرک های محیط است.	رویکرد رفتاری
فرآیند های ذهنی به معنا بخشی و تشکیل تصورات ذهنی منجر شده رفتار تحت تاثیر این فرآیند های ذهنی صورت می گیرد.	رویکرد شناختی
ریشه بسیاری از رفتار ها در نا خود آگاه انسان است که در سال های اولیه زندگی شکل می گیرند.	رویکرد روان کاوی
بر اساس این رویکرد انسان ها متفاوتند و فهم متفاوتی از خویشتن دارند بنابراین نگرش ها و رفتار های متمایزی خواهند داشت.	رویکرد پدیدار شناختی

تصویر سه: رویکردهای روان شناسی (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۶)

قرارگاه رفتاری و نیازهای انسانی:

مقر رفتاری و یا یک مکان رفتار، عنصری تحلیل کننده و برای تحلیل محیط است، که برای تشریح کارکردهای اصلی فضاهای معماری و طراحی شهری و یا طراحی آنها به کار گرفته می شود مقر رفتاری مفهومی است که برای اولین بار به وسیله راجر بارکر و همکارانش در راستای پژوهش در روان شناسی رشد برای تجزیه و تحلیل محیط اجتماعی، روان شناختی و کالبدی کودکان ابداع گردید به تدریج به رابطه مفهوم مقر رفتاری (مکان - رفتار) با طراحی بوسیله معماران و طراحان شهری مورد توجه واقع شد و توسعه یافت یک مقر رفتاری یک واحد کوچک اجتماعی است که از تلفیق پایدار یک فعالیت و یک مکان به گونه ای حاصل می آید تا در فرآیندی منظم بتواند عملکردهای ضروری آن محیط رفتاری را برآورده سازد عناصر تشکیل دهنده یک مقر رفتاری به گفته راجر بارکر عبارت است از: فعالیت های مستمر و پایدار در یک مکان و یا الگوی پایدار یک رفتار، قلمرو و یا آرایش سه بعدی محیط یک مکان - رفتار، ساختار محیط یک مکان - رفتار که حاصل همزیستی بین دو عنصر اول و دوم است و راجر بارکر آن را اصطلاحاً سینومرفی نامید. سینومرفی به این معنی است که بدون ارتباط ساختی مابین قلمرو و رفتار انسان امکان تشکیل یک مکان - رفتار پایدار نمی تواند وجود داشته باشد، همچنین وجود یک دوره زمانی می باشد برای توصیف کالبدی یک نظام رفتاری متشکل از مکان - رفتارهای متنوع و گوناگون در طراحی شهری و معماری می توان دو گونه از مقر رفتاری، که در فضاهای معماری و شهری با یکدیگر مرتبط نیز می باشند، یعنی مکان و اتصال دهنده را تشخیص داد یک مکان موقعیتی است که در آن الگوهای رفتاری مستمر و پایدار به گونه ای متمرکز به وقوع می پیوندد، در صورتی که یک اتصال دهنده در برگیرنده آن گونه از رفتارها است که حرکت بین مکان ها را ممکن می سازد مشابهت های بین مفاهیم مکان و اتصال دهنده با آنچه کوین لینچ، در کتابش تجسم ذهنی شهر به نام های گره و راه و یا مسیر، ارائه کرده است، وجود دارد گره ها در حقیقت مکان هایی هستند که تعدادی از اتصال دهنده ها در آنها به یکدیگر مرتبط می شوند و یا به دیگر سخن مکان ها را به یکدیگر متصل می کنند. (عسکری طاری و لیتکوهی، ۱۳۹۴، ۴)



تصویر چهار: ویژگی‌های قرارگاه علوم رفتاری (عسکری طاری و لیتکوهی، ۱۳۹۴، ۵)

۷- محیط کالبدی معماری:

محیط توسط عوامل بسیار زیادی شکل می‌گیرد و رفتار انسان نیز متأثر از محیط کالبدی خود تغییر می‌یابد. عوامل بسیار زیادی بر محیط کالبدی معماری اثرگذار است. عواملی همچون فضا، مکان، فرهنگ، هویت، تعاملات اجتماعی، رویکردهای محیطی و روان‌شناسی. بطور قطع توجه به این مقولات می‌تواند محیطی امن و آرام بخش را پدید آورد و نیز توجه به این عوامل موجب توسعه همه جانبه انسان می‌گردد.

بنا بر عقیده راپاپورت، از آنجا که همه رفتارها در بستر یک زمینه اتفاق می‌افتند و هر زمینه ای بر پایه معانی ساخته شده است، چنین نتیجه می‌شود که افراد در زمینه‌های مختلف با یافتن اشاره‌های ممکن برای آن معانی، رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند و این اشاره‌ها ممکن است در محیط کالبدی وجود داشته باشند. محیط‌ها نه تنها موجب یادآوری می‌شوند، بلکه پیش‌بینی کننده و تجویز کننده هستند. در واقع، جواب‌ها را هدایت می‌کنند، یعنی احتمال جواب‌های معینی را توسط محدود و منحصر کردن دامنه پاسخ‌های ممکن و بدون اینکه تعریف شوند، بیشتر می‌کنند. انسان با توجه به نیازها، ارزش‌ها و هدف‌های خود محیط را دگرگون می‌کند و به طور متقابل، تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار می‌گیرد. محیط‌های ساخته شده، برخی الگوهای رفتاری و نقش‌های اجتماعی نوینی را بر ساکنان خود تحمیل می‌کنند یا برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف کرده و به طور خلاصه، جهت و ابعاد جدید به رفتار ساکنان خود می‌بخشند. (اژده‌فر و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۴۵)

نتیجه‌گیری:

با توجه به مطالعات صورت گرفته در مقاله حاضر، آنچه مسلم است، تأثیر هویت و فرهنگ بر عوامل محیطی و رفتار انسان می‌باشد که با پرداختن به نظریه‌های ارائه شده در ارتباط با محیط کالبدی و رفتار انسان و شناخت انواع فضاهای اجتماعی و میزان تأثیرگذاری

آنها بر این فضاها، می‌توان فضاهای معماری مطلوب و مورد نیاز شهروندان را ایجاد نمود. باتوجه به مسائل و مولفه‌هایی که تعریف و بررسی شده‌اند بخش بسیار مهم در امر طراحی فضاهای معماری مسائل مربوط به عوامل تاثیرگذار به تقویت روابط اجتماعی هستند. با توجه به مسائلی که در ارتباط با تعاملات اجتماعی است، برای رسیدن به فضایی که تعاملات اجتماعی افراد را ارتقاء دهد باید ابتدا فعالیت‌های ضروری پاسخ داده شود. در قرن حاضر در جوامع بشری فضاهای اجتماعی و ارتباط آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، که می‌توان با طراحی معماری مناسب به استفاده از فضای معماری و تعاملات اجتماعی با یکدیگر کمک شایان نمود.

اگر فضا به عنوان فراهم کننده‌ی بستر فعالیت‌های روزانه انسان در نظر گرفته شود، رابطه مستقیمی بین آن و نوع عملکرد ساکنینش به وجود می‌آید، به نحوی که تمامی جنبه‌های زندگی فرد را از جمله تعاملات، الگو و سبک زندگی تا هویت و چگونه اندیشیدن او را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب هنگامی که محورهای مختصات، زمان و انسان در کنارهم قرار می‌گیرند، معماری نیز به عنوان عامل ارتباط دهنده و شکل دهنده‌ی این عناصر حضور پیدا می‌کند.

راهکارهای طراحی بر اساس پایداری اجتماعی:

معماری بر نحوه تعاملات ما، حس مکان و درک ما از فضا و میزان امنیت و کاهش جرم و جنایت در فضا تأثیرگذار است، لذا هدف از پایداری اجتماعی برای جوامع آینده کشف راه‌های عملی برای طراحی است که به پیشرفت و بهبود در زندگی و کار افراد کمک نماید. پایداری اجتماعی در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی و روزمره زندگی در طراحی است و این که معماری با فرهنگ، مذهب و نیازهای مردم تناسب داشته باشد.

عناصر اساسی مؤثر در طراحی فضای کالبدی معماری بر اساس پایداری اجتماعی:

۱. توجه به فرهنگ و هویت جامعه در شکل‌گیری صحیح فضاهای کالبدی معماری.
۲. توجه به مفهوم فضا و مکان در ایجاد فضاهای کالبدی معماری.
۳. توجه به تعاملات اجتماعی و بهره‌گیری از مفهوم فضا و مکان.
۴. بهبود زیرساخت‌های اجتماعی مانند مغازه‌ها، پارک‌ها، فضاهای عمومی و حمل و نقل شهری.
۵. ایجاد فرصت‌هایی برای عموم افراد جامعه جهت شکل‌دادن به هویت ریشه دار در جامعه.
۶. حمایت از زندگی اجتماعی و فرهنگی برای کمک به ایجاد شبکه‌ها و هنجارهای اجتماعی و تشویق به احساس تعلق و ایجاد هویت.
۷. انعطاف‌پذیری ساختمان در طول زمان که فضای مناسب برای جوامع در حال تحول و رشد را فراهم کند.
۸. نگاه ویژه به رویکردهای محیطی و رویکردهای روان‌شناختی.
۹. توجه به مسأله شناخت انسان در ایجاد فضاهای کالبدی معماری.
۱۰. توجه به ادراک محیطی در ایجاد فضاهای کالبدی معماری.

منابع و مآخذ:

۱. احقر، سیده مهسا، رادفر، بهاره، ۱۳۹۴، بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنین محله مسکونی، مطالعات محیطی هفت چنار، شماره ۱۴، ص ۱۵-۲۴.
۲. ازده فر، شیرین، ازده فر، لیلا و علی عمرانی پور، ۱۳۹۳، رابطه بین محیط کالبدی معماری با نشانه های اختلال بیش فعالی/ نارسایی توجه در کودکان 6 - 10 سال تهران، دو فصل نامه مطالعات معماری ایران، شماره ۶، ص ۱۴۱-۱۵۸.
۳. بهزادفر، مصطفی، طهماسبی، ارسلان، ۱۳۹۲، شناسایی و ارزیابی مولفه های اثر گذار بر تعاملات اجتماعی، فصل نامه باغ نظر، شماره ۲۵، ص ۱۷-۲۸.
۴. حاجی جعفری، غزاله، بذرافکن. کاوه، ۲۰۱۶، جایگاه معماری در تولید اجتماعی فضا و تاثیرگذاری آن بر روابط اجتماعی، چهارمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، ص ۱-۱۴.
۵. دی.ک.چینگ، فرانسیس، ۱۳۸۷، معماری: فرم فضا و نظم، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، چاپ اول، اصفهان.
۶. حسن قلی زاده آزاد، مجتبی، ۲۰۱۶، بررسی ساختمانهای معماری با شاخص تعاملات اجتماعی، چهارمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، ص ۱-۸.
۷. رحیمی، علی رضا، ۱۳۹۴، رویکرد و جایگاه تعاملات اجتماعی در طراحی معماری، ص ۱-۹.
۸. سلیمی، مریم، رضوی برقی، نیایش، ۱۳۹۵، روان شناسی محیط در معماری با رویکرد پایداری اجتماعی، مجله علمی تخصصی افزونه (انجمن علمی معماری دانشگاه تربیت مدرس)، سال دوم، شماره دوم، ص ۱-۱۲.
۹. شولتز، کریستین نوربرگ، ۱۳۹۱، روح مکان (به سوی پدیدارشناسی معماری)، ترجمه محمد رضا شیرازی، انتشارات رخ داد نو، چاپ سوم، تهران.
۱۰. صارمی، حمیدرضا، خلاق دوست، متین و سحر خدابخشی، ۱۳۹۵، روان شناسی محیط در معماری و شهرسازی، انتشارات اول و آخر، چاپ اول، تهران.
۱۱. زارع، لیلا، ۱۳۹۱، شناسایی ویژگیها و اصول طراحی مسکن مطلوب بر پایه تعالیم اسلامی، رساله دکترا، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.
۱۲. عسکری طاری، زهرا، لیتکوهی، ساناز، ۱۳۹۴، تأثیر علم روان شناسی محیط بر شکل گیری تعاملات اجتماعی در فضاهای معماری، اولین کنگره بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، ص ۱-۷.
۱۳. کشوری، رحیم، تاکی، دهبیم، ۱۳۹۳، معماری با محوریت رفتار اجتماعی و تاثیر آن بر سطح تعاملات اجتماعی، کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، ص ۱-۱۰.
۱۴. نقی لو، محمد، احدی، پریرسا، ۱۳۹۵، بررسی تأثیر معماری زمینه گرا بر تعاملات اجتماعی، اولین همایش بین المللی ایده های نوین در معماری شهرسازی جغرافیا و محیط زیست پایدار.
۱۵. نقی زاده، محمد، ۱۳۸۵، معماری و شهرسازی اسلامی مبانی نظری، انتشارات راهیان، چاپ اول، تهران.
۱۶. مرتضوی، شهرناز، ۱۳۸۰، روان شناسی محیط و کاربرد آن، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران.